

مدیر یک شرکت استارت آپی مطرح کرد:

ظرفیت مطلوب شرکت های دانش بنیان در توسعه صادرات کشور

فناوری محور ایرانی محسوب می شوند. در حالی که میزان قیمت هر تن کالای صادراتی ۳۶۲ دلار است، این قیمت برای کالاهای دانش بنیان ۶۹۵ دلار محاسبه می شود. یعنی ارزش صادراتی کالاهای دانش بنیان حدود دو برابر متوسط ارزش کالاهای صادراتی است. مهدی غیبی، کارآفرین و مدیر یک شرکت دانش بنیان در گفت و گو با «آتیه نو» به بررسی وضعیت صادرات استارت آپ ها در سال گذشته پرداخته که در ادامه می خوانید.

بنابراین این افراد باید آموزش ببینند.

● **نقش تسهیل و بهبود فضای کسب و کار در کشور برای افزایش صادرات محصولات دانش بنیان ها چگونه است؟**

ادبیات صادرات محصولات، ادبیات بومی و داخلی است. یعنی یک محصول یا فناوری بالا تولید می کنیم، اما به دلیل این که تحریم هستیم، دنبال صادرات نمی رویم. بنابراین باید این ادبیات اقتصادی را تغییر دهیم. مهم ترین نقشی که دولت می تواند در این باره ایفا کند، تسهیل ارتباط شرکت های دانش بنیان با خارج از کشور است. باید از همین کشورهای دوست ایران، مانند روسیه که روابط خوبی با آن داریم و مراودات بانکی نیز برقرار است، بهره برد. امروز برای صادرات به روسیه، باید هزینه میلیونی کرد، اما نمی دانیم با چه نهاد و فردی در آنجا ارتباط بگیریم. پس این موضوع مستقیماً شدنی نیست و عقب نشینی می کنیم. می بایست رابزنان اقتصادی مسلط به حوزه فناوری و استارت آپ ها، در کنسولگری ها مستقر شده و شرکت های دانش بنیان را راهنمایی کنند. این تسهیل گری کار دولت است. فعال سازی سفارت خانه ها در مسیر صادرات محصولات فناوری محور بزرگ ترین کاری است که دولت می تواند انجام دهد. بنابراین در قدم اول باید سفر ارزان و اقتصادی ممکن شود. دوم این که قبل از مراجعه شرکت ها به کشور مقصد، انجام نیازسنجی و بازاریابی ضرورت دارد. دست آخر نیز سفارت خانه باب آشنایی سرمایه گذاران خارجی را با فناوریان ایرانی فراهم کند. ● **می توان نتیجه گرفت که بحث نقل و انتقال مالی یکی از بزرگ ترین موانع بر سر راه صادرات محصولات ایرانی است؟**

دقیقاً. ما در کشور پتانسیل های بسیار خوبی برای صادرات داریم، اما اگر موانعی که به آن ها اشاره شد، از میان برداشته شود، قطعاً صادرات محصولات دانش بنیان ایرانی با افزایش روبه رو خواهد بود. نقش تسهیل گری دولت در این بین از اهمیت بسزایی برخوردار است و دولت جدید باید راهی را که دولت سیزدهم رفت ادامه دهد.

توجه به شرکت های دانش بنیان در دولت سیزدهم یکی از راهبرد های اصلی شهید رئیسی قلمداد می شود. نتیجه این مسئله در تحقق صادرات ۲٫۵ میلیارد دلاری استارت آپ ها در سال گذشته متبلور شده است. به طوری که براساس گزارش گمرک، ۳ میلیون و ۶۰۵ هزار تن کالای دانش بنیان توسط بیش از ۵۰۰ شرکت صادر شد. در این زمینه کشورهای چین، عراق، امارات متحده عربی، ترکیه و روسیه پنج مقصد عمده صادراتی کالاهای

گفت و گو



● **دولت می گوید در دو بخش زیر ساخت و تسهیل صادرات و همچنین حمایت از شرکت های دانش بنیان گام های عملی برداشته که در نتیجه آن ۲٫۵ میلیارد دلار صادرات محقق شده، ارزیابی شما از این موضوع چیست؟**

این حجم از صادرات برای محصولات دانش بنیان عالی است، اما هنوز هم می توان با تکیه بر توانمندی جوانان ایرانی، به این عدد افزود. در واقع ظرفیت های بالقوه ای وجود دارد، که باید بالفعل شود. دولت نیز باید به حمایت های خود ادامه داده و آن ها را گسترش دهد. اما باید به یک دلیل بزرگ یعنی تحریم های بانکی که جلوی رشد صادرات استارت آپ ها را گرفته، اشاره کرد. این اتفاق عملاً دست و پای بسیاری از شرکت ها را برای نفوذ بیشتر در بازارهای صادراتی بسته است.

● **ارزش صادراتی هر کالای دانش بنیان حدود دو برابر کالاهای دیگر است؛ چه اقداماتی باید انجام شود تا حجم صادرات این محصولات افزایش پیدا کند؟**

بزرگ ترین اقدامی که باید رخ دهد این است که شرکت ها به سمت مقوله صادرات سوق داده شوند. بسیاری از آن ها، تنها به فکر بازارهای داخلی هستند، در صورتی که مشتری خارجی به وفور وجود دارد. برخی استارت آپ ها در قواره جهانی فعالیت نمی کنند. به رغم اینکه محصول یا فناوری بالا و پیشرفته تولید می شود، اما به طور مثال یک کاتالوک انگلیسی برای آن نیست یا نمی توان برای چنین کالایی یک مذاکره تجاری انجام داد. زیر ساخت های یک شرکت ممکن است برای توسعه صادراتی محصول کافی فراهم نباشد. بنابراین باید به این سمت بروند تا بیاموزند، محصول مناسبی را جهت عرضه به بازار آماده کنند. اگر این چرخه به درستی صورت گیرد، رقم ۲٫۵ میلیارد دلار مذکور در یک سال قابلیت افزایش چندین برابری دارد.

گزارش

استفاده از بسترهای نوین برای رونق تولید جزو مهم ترین اقداماتی است که دولت سیزدهم طی سه سال اخیر آن را دنبال کرد. در این میان، تأمین مالی را می توان یکی از ارکان اصلی موضوع برشمرد. انتشار اوراق سلف موازی استاندارد و تأمین مالی از مسیر بورس کالا، روشی سریع جهت تأمین مالی در کوتاه مدت برای کسب و کارهای تولیدی به حساب می آید. انتشار اوراق سبب می شود که این واحدها با توانایی تولید کالاهای استاندارد،

بازار سرمایه برای انواع سرمایه گذاران با سلاقی و سطح ریسک پذیری مختلف، ابزار سرمایه گذاری دارد. همین امر باعث شده تنوع بی نظیری از فرصت های تأمین مالی برای شرکت ها و کسب و کارها پدید آید. مدل های مشارکتی مثل عرضه عمومی و پذیره نویسی سهام و صندوق پروژه ها و همچنین انواع صکوک با پرداخت های دوره ای منظم مشابه سپرده بانکی از جمله این روش ها محسوب می شود. به واسطه این ظرفیت ها تنوعی از ابزارهای تأمین مالی بلندمدت و کوتاه مدت در بازار سرمایه ایجاد شده که تقریباً به تمام نیازهای مالی کوچک و بزرگ صنایع پاسخ می دهد و سطح منابع در دسترس این بازار را به طور بالقوه تا سطوحی بسیار فراتر از نظام بانکی بالا می برد.

مزایای اوراق سلف برای تأمین مالی

سروش نوبری، کارشناس بازار سرمایه در گفت و گو با «آتیه نو» با اشاره به اینکه یکی از بزرگ ترین مزایای انتشار اوراق سلف موازی، سرعت بالای تأمین مالی است، گفت: «کسب و کارهای تولیدی می توانند با انتشار این اوراق در مدت زمان کوتاهی به نقدینگی مورد نیاز خود دست یابند. این ویژگی به ویژه در شرایطی که زمان برای مشاغل اهمیت دارد، بسیار حیاتی است.»

او افزود: «به دلیل وجود واسطه در معاملات، هزینه های مرتبط با تأمین مالی بازار سرمایه در مقایسه با روش های سنتی به مراتب کمتر بوده و می تواند تأثیر قابل توجهی بر سودآوری کسب و کارها داشته باشد.»

نوبری به تنوع در منابع مالی به عنوان یکی از مزایای این روش اشاره کرد و ادامه داد: «انتشار این اوراق به تولیدکنندگان امکان می دهد که ضمن برخورداری از منابع مالی متنوع تر، وابستگی به یک منبع خاص را کاهش دهند. این مسئله پایداری مالی بیشتر آن ها را در پی دارد.»

این کارشناس بازار سرمایه شفافیت در دادوستدها را



● **درخواست و حمایت های استارت آپ ها شامل چه موضوعاتی است و دولت باید چه اقداماتی انجام دهد؟**

مهم ترین حمایت دولت در بخش عرضه محصول است. در این مسئله مشکل زیادی وجود دارد و ضرورت دارد نقاطی در خارج از کشور فعال باشد و سرویس عرضه را در مراحل اولیه توسعه دهد. در ابتدای تشکیل دولت سیزدهم معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری وقت مکان هایی را در سوریه و کنیا به عنوان محل نمایش دستاوردهای توانمندی های فناوریک ایران راه اندازی کرد. در این امکان، اطلاعات محصولات دانش بنیان وجود داشت و یک فرد مسلط نیز مستقر بود که مذاکره می کرد. اگر مراحل خوب پیش می رفت، گفت و گوها ادامه می یافت. البته در ارزیابی کلی کاستی هایی وجود داشت. به عنوان مثال محصولات متنوعی در زمینه پزشکی و الکترونیکی عرضه شده بود، اما کارشناس مستقر در آنجا احتمالاً در مذاکره و توجیه کردن

انتشار اوراق سلف بازار سرمایه راه میان بر تأمین مالی بخش تولید

چشم انداز روشنی از تداوم فعالیت خود داشته باشند. ضمن اینکه امکان کشف عادلانه قیمت برای آن ها فراهم می آید و با محدودیت هایی از جمله قیمت گذاری دستوری و انحصار در عرضه یا تقاضا روبه رو نمی شوند. صنایعی که محصولات تولیدی آن ها دارای این ویژگی ها باشد، بورس کالا مسیری بسیار سریع برای تأمین سرمایه در گردش و تأمین مالی بنگاه های تولیدی بوده، برخلاف بانک ها که صرفاً پذیرای سرمایه گذاران ریسک گریز و دوستداران سپرده است.

این بازار فعالیت کرد. این ویژگی ممتاز عمق بازار را بیشتر می کند؛ چرا که سرمایه های کم و کوچک از این طریق جذب بازار می شوند. کما اینکه شاهد ورود سرمایه گذاران بزرگ و متوسط نیز هستیم. علاوه بر این، از حضور امکان بهره گیری از شرکت های حقوقی وجود دارد. آن ها به واسطه بوروکراسی ها تمایلی به فعالیت در بازارهای فیزیکی ندارند، اما به راحتی می توانند در بازارهای مالی فعال باشند و با تنوع بخشی در پرتفوی سرمایه گذاری شان، حاشیه سود ایجاد کنند.

در این رابطه، نوبری با اشاره به اینکه توسعه معاملات گواهی شمش طلا در بورس کالا و ترغیب سرمایه گذاران و مردم به سمت این معاملات، مزایای متعددی دارد، یادآور شد: «با این کار امکان استفاده بهینه از ذخایر طلا فراهم می شود و سیاست گذار شرایط بهتری برای تعادل بخشی به بازار پیدا می کند. بازار گواهی شمش طلا این قابلیت را دارد که به سکه فیزیکی قلمداد می شود. هدایت نقدینگی به یک بازار که از شفافیت برخوردار بوده و قابل رصد است، مهم به حساب می آید؛ چرا که از این طریق می توان برآوردی از تقاضا داشت. در نهایت به موجب این مسئله از نوسانات شدید قیمتی جلوگیری خواهد شد.»

او اضافه کرد: «طی این مدت استقبال خوبی از گواهی شمش به عمل آمده است. به دلیل نقدشوندگی و امنیت این بازار، مردم ترجیح می دهند، بدون ریسک به خرید و فروش طلا مبادرت ورزند. به نظر می رسد در آینده نیز به حجم و ارزش معاملات این بازار افزوده شود و استقبال از آن فزونی یابد. گواهی شمش طلا این قابلیت را دارد که به جذب سرمایه گذاری خارجی اقدام کند. این موضوع برای اقتصاد کشور بسیار مهم تلقی می شود. به نوعی با ایجاد این ابزار، یک بازار ثانویه برای خرید و فروش طلا به وجود آمده که موجب افزایش نوآوری، انعطاف پذیری در معاملات و ایجاد فرصت های سرمایه گذاری جدید می شود.»



ایجاد خواهد کرد. از سویی توسعه بازار سرمایه به جذب سرمایه های بیشتر و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک می کند.»

بازار گواهی سپرده شمش طلا، رقیب سکه فیزیکی

علاوه بر اوراق، بازار گواهی سپرده شمش طلا برای رقابت با بازار سنتی طلا در بورس کالا ایجاد شده است. مزیت متمایز این ابزار مالی، آنلاین بودن و عدم ریسک های قدیمی در بازارهای سنتی همچون ریسک کیفیت و کمیت کالای خریداری شده یا ریسک نگهداری کالا محسوب می شود. همچنین سهولت معامله در این بازارها به عنوان یک برگ برنده ابزارهای مالی مبتنی بر دارایی های مختلف به ویژه فلزات گرانبها یا سردمداری طلاست. در هر مقیاس و با هر میزان نقدینگی می توان در

یکی دیگر از نکات مثبت روش مذکور خواند و توضیح داد: «شفافیت می تواند اعتماد سرمایه گذاران را جلب و آن ها را ترغیب به سرمایه گذاری در اوراق کند. این موضوع به نوبه خود جذب بیشتر منابع مالی را به دنبال می آورد. تعهد به تحویل کالا یا خدمات، دیگر امتیاز آن است. این ویژگی به واحدهای اقتصادی اجازه می دهد برنامه ریزی بهتری برای تولید و تحویل محصولات خود داشته و از قبل منابع لازم را تأمین کنند. برای مثال، یک شرکت تولیدی با انتشار این اوراق، منابع مالی مورد نیاز برای خرید مواد اولیه را تأمین کرده و در عین حال تعهد می دهد محصولات نهایی را در زمان مقرر به سرمایه گذاران تحویل دهد.»

نوبری با تأکید بر اینکه اوراق سلف به عنوان یکی از ابزارها، می تواند به تنوع بیشتر بسترهای مالی کمک کند، گفت: «این مسئله جذابیت بیشتری برای سرمایه گذاران

در دنیای امروز حرکت به سمت شرکت های

دانش بنیان، زمینه سازی برای رونق بخشیدن به فعالیت آن ها و برنامه ریزی در راستای تقویت سطح صادرات محصولات فناوری محور، یک ضرورت است. در مسیر توسعه واحدهای پژوهش محور، حمایت و ارائه تسهیلات ویژه بسیار مهم محسوب می شود؛ چرا که بیشتر این مجموعه ها جزو واحدهای کوچکی به شمار می آیند که با سرمایه های اندک وارد عرصه فعالیت شده و تا زمانی که بزرگ شده و بتوانند روی پای خود بایستند، به کمک نیاز دارند. در دولت های مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به این بخش از اقتصاد وجود داشته و متناسب با همین نگاه، انواع مختلفی از حمایت ها صورت گرفته است. در همین شرایط، آمار و اطلاعات از صادرات محصولات دانش بنیان، حکایت از رشد دارد. به طوری که در سال گذشته این رقم به حدود ۲٫۵ میلیارد دلار رسیده است.

از طرفی توان بهبود و افزایش میزان صادرات در این حوزه وجود دارد. با حمایت از فعالان این حوزه می توان شاهد رشد چشمگیر صادرات واحدهای مبتنی بر دانش بود. قانون جهش تولید دانش بنیان در دو سال گذشته به تصویب رسید. این اتفاق، نویدبخش رسیدن به شفافیت در دستورالعمل ها و بخشنامه های جاری حوزه مذکور بود. متأسفانه در دولت های قبل، به دلیل نبود شفافیت لازم، سرمایه گذاران انگیزه کافی برای ورود به این بخش را نداشتند. در واقع یکی از مهم ترین موانعی که در برابر سرمایه گذاران قرار داشته، نبود شفافیت در چگونگی محاسبه و دریافت مالیات از استارت آپ ها بوده است. عدم شناخت لازم از نوع فعالیت این شرکت ها در میان کارشناسان سازمان امور مالیاتی یک معضل جدی قلمداد می شود که همواره برای واحدهای دانش بنیان تولید زحمت و دردسر کرده است. امروز با امید به اجرایی شدن قانون جهش تولید می توان انتظار داشت در آینده شرایط و

سطح سرمایه گذاری ها در این حوزه بهتر شود. یکی از بهترین ظرفیت ها برای تقویت جایگاه و سطح فعالیت استارت آپ ها در کشور، مشارکت سرمایه گذاران بزرگ در این عرصه به حساب می آید. آن ها می توانند با سرمایه ای که در اختیار دارند، مشکل نقدینگی این واحدها را برطرف کرده و خودشان نیز از توان دانشی شکل گرفته برای بهتر شدن سطح تولیدات در همه بخش ها بهره ببرند. با این اوصاف تصویب و اجرای قانون جهش تولید، به دلیل تعریف مکانیسم تسهیلات دهی مناسب و شفافیتی که ایجاد می کند، سازوکار خوبی برای ترغیب سرمایه گذاران به حضور در بازار دانش بنیان هاست. همچنین این شرکت ها توانایی دارند که معضلاتی نظیر آلودگی های زیست محیطی و آب و هوایی، بحران کمبود آب، امنیت غذایی و حتی مسئله ترافیک که اغلب کلان شهرها را درگیر خود کرده را به شیوه های نوین و علمی حل کرده و برای آن ها راه حل های عملی ارائه دهند. بر این اساس، یکپارچگی میان نهادهای متولی در این حوزه اهمیت بالایی دارد. امروز نهادهایی مانند استارت آپ ها، پارک های علم و فناوری، مراکز رشد، تحقیق و توسعه در کشور فعالیت می کنند. اما انسجام و همگرایی لازم بین آن ها شکل نگرفته و هر کدام در مسیرهایی جداگانه با نیت تقویت جایگاه دانش و فناوری در عرصه تولید و تجارت، قدم برمی دارند. به دلیل همین جدایی، قادر به اثرگذاری مناسب در اقتصاد نیستند. بنابراین لازم است زنجیره درهم تنیده ای از عوامل و نهادهای موجود با یکدیگر هم راستا شده و در چارچوب یک نظام منسجم، در اقتصاد نقش آفرینی کنند. همچنین انتظار می رود، تسهیلات ارزان قیمت از سوی بانک ها به شرکت های دانش بنیان پرداخت شود؛ چرا که واحدهای جدیدی در شرف تأسیس بوده و آن ها نیاز به تأمین مالی مناسب دارند. شتاب دهنده ها نیز می توانند نقش بسزایی در مدیریت شرکت های دانش بنیان ایفا کنند. این امر زمانی محقق می شود که تسهیلات ارزان پرداخت شود و حمایت های مناسب از سوی این شتاب دهنده ها انجام گیرد. در صورتی که موانع از پیش روی شرکت های پژوهش محور برداشته شود، قدر مسلم آن ها می توانند سهم قابل توجهی از خلق ارزش افزوده در اقتصاد ملی کشورمان را به خود اختصاص دهند.